

۷

دولت آونگی و پویایی سیاست خارجی ترکیه؛ مورد پژوهی جنگ اوکراین

محمدعلی غنامی زاده فلاحی^۱

ولی گل محمدی^۲

وحید حسین زاده^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

^۱. کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
fallahi.m@modares.ac.ir

^۲. دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. vali.golmohammadi@modares.ac.ir

^۳. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. v.hosseinzadeh@modares.ac.ir

چکیده

سیاست خارجی ترکیه با ورود به قرن بیست و یکم، الگویی پویا و چندوجهی یافته که فهم آن نیازمند چارچوب‌های تحلیلی نوین است. این پژوهش با هدف تبیین این پویایی، به تحلیل کنشگری ترکیه در جریان جنگ ۲۰۲۲ اوکراین از طریق چارچوب مفهومی دولت آونگی و نظریه سیستم‌های انطباقی پیچیده می‌پردازد. فرضیه اصلی آن است که رفتار آونگی ترکیه، پاسخی هوشمندانه به الزامات ژئوپلیتیک، فشارهای سیستمی و پویایی‌های داخلی برای تحقق استقلال راهبردی است. این تحقیق با روش کیفی و رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده و رفتار ترکیه بر اساس پنج شاخص کلیدی دولت‌های آونگی (ژئوپلیتیک، اقتصاد، نظامی، دیپلماسی و قدرت هوشمند) و با تکیه بر نظریه سیستم‌ها تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیه در بحران اوکراین، با اتخاذ یک استراتژی دوگانه حمایت نظامی از اوکراین و حفظ روابط اقتصادی با روسیه نقش یک دولت آونگی را ایفا کرده است. این کشور با استفاده از اهرم‌های ژئوپلیتیک (کنوانسیون مونترو)، اقتصادی (کریدورهای انرژی) و دیپلماتیک (میانجی‌گری در توافق غلات)، توانست نفوذ خود را بر هر دو طرف متخاصم حفظ کند. کنشگری آونگی، جایگاه ترکیه را از یک متحد پیرو به یک تنظیم‌گر محوری در نظم بین‌الملل تغییر داده است. این استراتژی ضمن تحقق استقلال راهبردی، با ایجاد خلأ اعتبار و معرفی ترکیه به عنوان یک متحد غیرقابل اتکا، ریسک‌های ساختاری نیز به همراه داشته است.

• واژگان کلیدی

جنگ اوکراین، دولت آونگی، سیاست خارجی ترکیه، نظریه سیستم‌ها، اتحادها و ائتلاف‌های پویا.

۱. مقدمه

سیاست خارجی ترکیه همواره در معرض تغییر و تأثر از شرایط سیستمیک بین‌المللی، ژئوپلیتیک پیرامونی و تحولات داخلی بوده است. این پویایی که به‌ویژه در دوره زمامداری رجب طیب اردوغان با عاملیت رهبری و منطقه‌گرایی فعال همراه شده، فهم سیاست خارجی این کشور را به یکی از حوزه‌های مطالعاتی پیچیده در روابط بین‌الملل بدل کرده است. جایگاه منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک ترکیه در نقطه تلاقی اروپا، آسیای مرکزی و خاورمیانه، نقشی محوری در امور منطقه‌ای و جهانی به این کشور بخشیده و آن را به مجرای اساسی برای تجارت، ترانزیت انرژی و تبادلات فرهنگی تبدیل کرده است. با این حال، همین موقعیت استراتژیک، آنکارا را ناگزیر از اتخاذ یک سیاست خارجی سیال و چندوجهی ساخته است که در آن، همسویی‌ها و تقابلات با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، ماهیتی نوسانی دارند. آنکارا با بهره‌گیری هوشمندانه از این مزیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک را نه به‌مثابه یک محدودیت، بلکه به مثابه سکوی پرشی برای افزایش قدرت چانه‌زنی و بازتعریف معادلات قدرت جهانی به کار گرفته است (Şaban Kardaş, 2025:5). کنترل بر تنگه‌های استراتژیک بسفر و داردانل و قرارگیری در مسیر کریدورهای انرژی، به ترکیه این امکان را داده است تا میان بلوک‌های رقیب شرق و غرب مانور دهد و کنشگری چندوجهی خود را به نمایش بگذارد. این رویکرد چندوجهی، که ریشه در ضرورت‌های بقا و آرمان‌های نفوذ منطقه‌ای دارد، سیاست خارجی ترکیه را به الگویی پیچیده از همکاری و رقابت همزمان بدل کرده و آن را به بازیگری گریزناپذیر در معادلات امنیتی اوراسیا و خاورمیانه تبدیل نموده است.

در حالی که ادبیات موجود، سیاست خارجی ترکیه را از زوایای گوناگون تحلیل کرده است، اغلب این پژوهش‌ها از ارائه یک چارچوب جامع که قادر به تبیین ماهیت پویای کنشگری این کشور به‌عنوان یک دولت آونگی جهانی باشد، باز مانده‌اند. تحلیل‌های موجود فاقد یک گونه‌شناسی دقیق برای توضیح علل الگوی کنشگری آونگی هستند و تغییرات زمانی در اتحادها و مواضع آنکارا را، که عمیقاً تحت تأثیر عوامل داخلی است، به قدر کفایت مورد توجه قرار نمی‌دهند. این پژوهش در پی آن است تا این خلأ را با مفهوم‌پردازی پویایی سیاست خارجی ترکیه در قالب مدل دولت آونگی و با مطالعه موردی جنگ ۲۰۲۲ اوکراین پر کند. هدف اصلی این مقاله، تبیین این مسئله است که چگونه می‌توان بر اساس مدل آونگی، دیپلماسی چندوجهی سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین را تحلیل کرد؟ در این راستا، مفهوم دولت آونگی به مثابه یک چارچوب تحلیلی به کار گرفته می‌شود که بر

ظرفیت قدرت‌های متوسط برای تأثیرگذاری بر نتایج بین‌المللی از طریق جابه‌جایی میان بلوک‌های قدرت رقیب تأکید دارد. این دولت‌ها با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، قدرت نرم و ظرفیت‌های دیپلماتیک خود، ساختارهای حکمرانی جهانی را به طور غیرمستقیم شکل می‌دهند، بی‌آنکه به دنبال برهم زدن کامل سلسله‌مراتب قدرت باشند. این مقاله استدلال می‌کند که کنشگری آونگی ترکیه، پاسخی هوشمندانه به عدم قطعیت‌های ناشی از پویایی‌های نوین بین‌المللی، تغییرات منطقه‌ای و نیاز رهبری اردوغان برای حفظ اقتدار داخلی است؛ رویکردی که امکان تثبیت جایگاه محوری ترکیه در محیط پیرامونی و مشارکت فعال در ائتلاف‌سازی‌های جهانی را فراهم می‌آورد. جنگ اوکراین نمونه‌ای بارز از این الگوی رفتاری است که در آن، آنکارا با موازنه‌سازی میان تعهدات خود در ناتو و روابط متغیر با روسیه، پیچیدگی محاسبات راهبردی خود را به نمایش گذاشت.

۲. پیشینه

ادبیات پژوهشی در حوزه دولت‌های آونگی جهانی بسیار محدود است و عمده آثار تولید شده در این زمینه، توسط اندیشکده‌ها ارائه شده است. این در حالی است که در ایران تاکنون هیچ پژوهش مدونی در چارچوب مفهومی کنشگری آونگی در قالب نظریه سیستم‌ها در روابط بین‌الملل صورت نپذیرفته است. پژوهش پیش رو تلاش دارد تا با معرفی و به‌کارگیری این چارچوب تحلیلی، گامی در جهت غنای ادبیات نظری و مطالعات موردی در این حوزه بردارد. هرچند که در خصوص سیاست خارجی چندوجهی ترکیه و نیز چندجانبه‌گرایی رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ ۲۰۲۲ اوکراین پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما خلاء پژوهشی موجود عمدتاً در نگاه‌های نوین مانند نگاه سیستم محور به روابط بین‌الملل و چهارچوب‌های نوین مانند کنش‌گری آونگی است. لذا در پژوهش حاضر سعی بر این شده است تا این خلاء را کمی پر کرد.

همچنین فونتن و مکینلی در مقاله خود با نام "دولت‌های آونگی و رقابت نوین ابرقدرت‌ها" استدلال کرده‌اند که کشورهای آونگی با اتخاذ سیاست همسویی طور همزمان روابط خود را با ایالات متحده، روسیه و چین حفظ می‌کنند. ویژگی مشترک آنها، عدم تمایل به قرار گرفتن در یک اتحاد استراتژیک انحصاری با یک قدرت بزرگ و تلاش فعال برای اصلاح نهادهای حکمرانی جهانی به نفع خود است. این مقاله تأکید می‌کند که این شش کشور دارای وزن ژئوپلیتیک جمعی کافی هستند تا ترجیحات سیاستی آنها، مسیر آینده نظم بین‌المللی را به شکلی نامتناسب تحت تأثیر قرار دهد (Fontain&Mckinely, 2025). اونلوهی سارجلیک در کار پژوهشی خود "اتحادهای در یک نظم

جهانی در حال تغییر: بازنگری در تعامل فرآتلانتیک با کشورهای آونگی جهان، تحت عنوان "ترکیه: تلاش برای رهایی از وابستگی"، استراتژی کلان ترکیه، فرار از وابستگی به یک قدرت واحد از طریق ایجاد توازن میان روابط مستحکم خود با غرب و دیگر قدرت‌های جهانی است. او سیاست ترکیه در قبال جنگ اوکراین را نمونه‌ای از این الگو می‌داند که می‌توان آن را طرفدار کی‌یف، بدون موضع‌گیری آشکارا علیه مسکو توصیف کرد (ÜNLÜHISARCIKLİ, 2023). پُلشاک در مقاله خود "دولت‌های آونگی در میان رقابت قدرت‌های بزرگ" با استفاده از یک شبیه‌سازی مبتنی بر وابستگی متقابل اقتصادی، ترکیه را به عنوان نهمین دولت آونگی تأثیرگذار در موازنه قدرت میان آمریکا و چین رتبه‌بندی می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه علی‌رغم آنکه متحد سنتی آمریکاست، به دلیل درهم‌تنیدگی عمیق اقتصادی با چین، با یک دوراهی ژئوپلیتیک واقعی روبرو است که آن را به یک بازیگر نوسانی تبدیل کرده است (Poulshock, 2022). فونتن و کوندنای در مقاله خود تحت عنوان "دولت‌های آونگی: برزیل، هند، اندونزی، ترکیه و آینده نظم بین‌الملل" ترکیه را به عنوان یکی از چهار دولت آونگی جهانی کلیدی، در کنار برزیل، هند و اندونزی، معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند که ترکیه به دلیل اقتصاد رو به رشد، موقعیت استراتژیک و دموکراسی، ظرفیت تقویت نظم بین‌المللی را دارد، اما رویکرد آن نسبت به این نظم، سیال، نامشخص و گاهی متناقض است. به عقیده آن‌ها، ترکیه در حوزه‌هایی چون تجارت و مالی، همسو با نظم جهانی عمل کرده، اما در حوزه حقوق بشر و مسائل دریایی (با نپذیرفتن بخش‌هایی از کنوانسیون حقوق دریاها) موضعی چالش‌برانگیز اتخاذ نموده است (Fontain&Kundnani, 2012). گارسیا در کار پژوهشی خود با نام "دولت‌های آونگی و نظم عدم اشاعه" بر نقش ترکیه در نظم عدم اشاعه هسته‌ای تمرکز دارد. او اشاره می‌کند که ترکیه به عنوان یک عضو ناتو و میزبان تسلیحات هسته‌ای آمریکا، همواره از حامیان رژیم عدم اشاعه بوده است. با این حال، تلاش این کشور برای ایفای نقش میانجی در پرونده هسته‌ای ایران (مانند توافق سوخت هسته‌ای ۲۰۱۰ با همراهی برزیل) و دفاع از حق کشورها برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، نمونه‌ای از سیاست خارجی مستقل و چندوجهی آنکارا است که گاه با متحدان غربی‌اش دچار اصطکاک می‌شود (Garcia, 2012).

ادبیات موجود درباره سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ ۲۰۲۲ اوکراین عمدتاً یا در چارچوب‌های کلاسیک موازنه‌سازی و همسوی به توصیف روندها بسنده کرده، یا به صورت تکه تکه به ابعاد جداگانه نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک پرداخته است؛ اما سه خلأ کانونی همچنان باقی مانده است: نخست، فقدان یک گونه‌شناسی سیستمی که نشان دهد این اجزا چگونه از طریق حلقه‌های

بازخورد به‌طور غیرخطی یکدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند؛ دوم، نبود الگوی عملیاتی‌شده برای سنجش رفتار آونگی در زمان بحران و در تعامل هم‌زمان با دو زیرسیستم رقیب (ناتو-اروپا و اوراسیا-روسیه)؛ سوم، نادیده‌ماندن نقش تنظیم‌گر ترکیه که فراتر از میانجی‌گری صرف، به‌بازتنظیم جریان‌های نظامی-اقتصادی می‌انجامد. نوآوری این پژوهش دقیقاً در پاسخ به این خلأهاست: (۱) ادغام مفهومی دولت آونگی با نظریه سیستم‌های انطباقی پیچیده و استخراج سازوکارهای ظهوریافته آن (حلقه‌های بازخورد میان سه بعد نظامی-اقتصادی-دیپلماتیک)؛ (۲) عملیاتی‌سازی الگو از طریق پنج شاخص هم‌بسته (ژئوپلیتیک، اقتصاد، نظامی، دیپلماسی، قدرت هوشمند) برای ردیابی نوسان و جهت‌گیری خالص در بازه سالهای ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴؛ و (۳) صورت‌بندی مفهوم تنظیم‌گر آونگی به‌مثابه سهم نظری جدید که تفاوت آن را با پوشش ریسک راهبردی^۱ منفعل روشن می‌کند و نشان می‌دهد چگونه ترکیه به کمک کنترل تنگه‌ها، مدیریت کریدورهای انرژی و میانجی‌گری نهادی، نه فقط هزینه‌ها را بین بلوک‌ها توزیع، بلکه پارامترهای بحران دریای سیاه را بازتنظیم کرده است. بدین ترتیب نوآوری پژوهش در این است که، مشارکت مقاله هم‌نظری است (چارچوب ترکیبی و مفهوم تنظیم‌گر آونگی)، هم روش‌شناخت (شاخص‌گذاری و ردیابی زمانی رفتار)، و هم تجربی (نشان‌دادن کارکرد چارچوب در قضیه اوکراین با شواهد مستند)، و دقیقاً خلأهای پیشینه را هدف می‌گیرد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده ترکیب تئوری سیستم‌محور و مفهوم کنش آونگی، با کاربست رویکرد کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی سامان یافته است؛ انتخابی که امکان تبیین واقعیت‌های سیاسی را نه به‌مثابه پدیده‌های خطی، بلکه به‌عنوان حاصل تعاملات پیچیده و غیرایستا فراهم می‌آورد. مطالعه حاضر با تمرکز بر مطالعه موردی رفتار سیاست خارجی ترکیه در جنگ اوکراین، داده‌های مستخرج از اسناد رسمی و منابع کتابخانه‌ای را از طریق تحلیل محتوای کیفی و استنباطی پردازش کرده است. در این راستا، با تمرکز بر شناسایی حلقه‌های بازخوردی و متغیرهای ظهوریافته در بستر سیستم‌های انطباقی، تلاش شده است تا شاخص‌های ژئوپلیتیکی، امنیتی و دیپلماتیک در همسویی کامل با نظریه دولت

^۱ Hedging: در روابط بین‌الملل، پوشش ریسک راهبردی است که در آن یک دولت با ترکیب عناصر همکاری و تقابل در روابط خود، موقعیتی انعطاف‌پذیر و غیرمتعهد را بین قدرت‌های رقیب حفظ می‌کند. این یک رویکرد مدیریت ریسک است که توسط قدرت‌های کوچک‌تر و متوسط برای جلوگیری از وابستگی بیش از حد به هر قدرت بزرگ واحد و در عین حال حفظ انعطاف‌پذیری دیپلماتیک استفاده می‌شود. پوشش ریسک با ایجاد تعادل (مقاومت در برابر یک قدرت) یا همراهی (سازگاری با یک قدرت) متمایز است.

آونگی واکاوی شوند. بدین ترتیب، منطق پژوهش بر فهم عمیق سازوکارهای تصمیم‌گیری و نوسانات راهبردی در محیطی چندسطحی استوار گردیده است.

۴. چهارچوب مفهومی

مفهوم دولت‌های آونگی جهانی از سیاست داخلی آمریکا الهام گرفته شده است، ایالت‌های آونگی به ایالت‌هایی اطلاق می‌شود که انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را در لحظات حساس به یک سو یا سوی دیگر متمایل می‌کنند (Kliman, 2012:5-6). در عرصه بین‌الملل، شش کشور موقعیت مشابهی دارند: برزیل، هند، اندونزی، ترکیه، آفریقای جنوبی و عربستان. این کشورها معمولاً چهار ویژگی مشترک دارند: اقتصادهای بزرگ و در حال رشد، موقعیت‌های استراتژیک در مناطق مربوطه، برخی حکومت‌های دموکراتیک، و از همه مهم‌تر، هیچ‌کدام نه نظم بین‌المللی موجود را به‌طور کامل پذیرفته‌اند، نه آن را رد کرده‌اند و نه جایگزین مفصلی ارائه داده‌اند. این کشورها به‌عنوان دولت‌های آونگی جهانی، یک بلوک، اتحاد یا حتی نهادی با هماهنگی سست نیستند، بلکه موقعیت‌های تقریباً مشابهی در امور جهانی اشغال می‌کنند (Fontaine & Kliman, 2013:98). کشورهای مذکور به جای تعهد انحصاری به یک بلوک قدرت، با در پیش گرفتن استراتژی چندهمسویی می‌کوشند از طریق همکاری منعطف و موضوع‌محور با قدرت‌های رقیب مانند آمریکا، چین، اروپا و روسیه، نفوذ خود را به حداکثر برسانند (de Hoop Scheffer et al., 2022:2). در نهایت، این کشورها بازیگرانی هستند که تصمیماتشان در خصوص همسویی یا عدم همسویی، می‌تواند به‌طور قاطع بر موازنه قوای جهانی تأثیر بگذارد (Poulshock, 2022:3).

مفهوم دولت آونگی، چارچوب تحلیلی کارآمدی برای مطالعه رفتار سیاست خارجی کشورها در نظم نوین جهانی فراهم می‌کند. این مفهوم به تحلیلگران کمک می‌کند تا از دوگانه‌های ساده‌انگارانه‌ای چون غرب‌گرا در مقابل شرق‌گرا فراتر رفته و ماهیت عمل‌گرایانه، پیچیده و گاه متناقض سیاست خارجی قدرت‌های متوسط را درک کنند. در بطن کنشگری آونگی، مفاهیمی چون دوست-دشمن و رقابت-همکاری جریان دارد که نشان می‌دهد این دولت‌ها قادرند همزمان با یک بازیگر واحد، در حوزه‌های همکاری استراتژیک و در حوزه‌های دیگر رقابت شدید داشته باشند. با تمرکز بر این دولت‌ها، می‌توان فهمید که چگونه متغیرهایی نظیر وابستگی متقابل اقتصادی، ملاحظات امنیتی منطقه‌ای و پویایی‌های سیاسی داخلی، کشورها را به سمت اتخاذ راهبردهای منعطف و چندوجهی سوق می‌دهد. این چارچوب همچنین اهمیت این دسته از بازیگران را در شکل‌دهی به آینده نظم بین‌الملل برجسته

می‌سازد و نشان می‌دهد که رقابت قدرت‌های بزرگ، بیش از هر زمان دیگری، در میدان جلب نظر همین دولت‌های آونگی تعیین خواهد شد. با تمرکز بر این دولت‌ها، می‌توان فهمید که چگونه متغیرهایی نظیر وابستگی متقابل اقتصادی، ملاحظات امنیتی منطقه‌ای و پویایی‌های سیاسی داخلی، کشورها را به سمت اتخاذ راهبردهای منعطف و چندوجهی سوق می‌دهد. این چارچوب همچنین اهمیت این دسته از بازیگران را در شکل‌دهی به آینده نظم بین‌الملل برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که رقابت قدرت‌های بزرگ، بیش از هر زمان دیگری، در میدان جلب نظر همین دولت‌های آونگی تعیین خواهد شد.

این پژوهش برای تحلیل کنشگری ترکیه به عنوان یک دولت آونگی جهانی، بر پنج شاخص کلیدی استوار است که در مجموع، قابلیت‌های مادی، تأثیر فکری و الگوهای رفتاری این دسته از دولت‌ها را ترسیم می‌کنند. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- نفوذ و مزیت ژئوپلیتیکی که به موقعیت استراتژیک و کنترل بر کریدورهای حیاتی اشاره دارد؛ ۲- رشد اقتصادی که توانایی بازیگری در تجارت، سرمایه‌گذاری و نوآوری را شامل می‌شود؛ ۳- قدرت نظامی که بر توسعه قابلیت‌های دفاعی بومی و راهبردهای نامتقارن تأکید دارد؛ ۴- دیپلماسی چندگانه که به ظرفیت عضویت هم‌زمان در سازمان‌های رقیب و ایفای نقش میانجی می‌پردازد؛ و ۵- قدرت هوشمند که ترکیبی از ابزارهای فرهنگی، اقتصادی و امنیتی برای گسترش نفوذ است. این چارچوب چندوجهی، امکان تحلیلی جامع از چگونگی مانور راهبردی ترکیه میان قطب‌های قدرت جهانی را فراهم می‌آورد.

برای تقویت چهارچوب مفهومی کنش‌گری آونگی با استفاده از نظریه سیستم‌ها در روابط بین‌الملل سعی شده است تا این مفهوم را تقویت کرده و نگاه سیستمیک که خلاء آن به خصوص در جامعه علمی روابط بین‌الملل ایران دیده می‌شود گسترش داد. کنشگری آونگی یک سیستم خطی و ساده نیست که در آن یک ورودی مشخص (مانند یک تهدید امنیتی) به یک خروجی قابل پیش‌بینی (مانند اتحاد با یک بلوک قدرت) منجر شود. این الگو در چارچوب یک سیستم انطباقی پیچیده عمل می‌کند. در چنین سیستمی، دولت آونگی به مثابه یک گره در شبکه‌ای از روابط متقابل قرار دارد که در آن، متغیرهای متعدد امنیتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و داخلی به صورت غیرخطی با یکدیگر در تعامل هستند (Donnelly, 2023:19). تصمیمات این دولت نه تنها تحت تأثیر محیط بیرونی قرار می‌گیرد، بلکه خود نیز از طریق حلقه‌های بازخورد بر آن محیط تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد (Gunitsky, 2013:39-40). بنابراین، رفتار نوسانی، یک ویژگی ظهوریافته از این تعاملات پیچیده است، نه یک استراتژی از پیش

تعیین شده و ثابت. این نگاه سیستمی، چارچوب مفهومی کنشگری آونگی را به یک ابزار تحلیلی قدرتمند برای فهم سیاست خارجی در جهانی چندقطبی و پرابهام ارتقا می‌دهد.

۳. یافته‌ها

سیاست خارجی ترکیه از زمان تأسیس جمهوری در سال ۱۹۲۳، مسیری پرفرازونشیب را پیموده که در نهایت به شکل‌گیری یک الگوی کنشگری چندوجهی و آونگی منتهی شده است. در دهه‌های نخست، این سیاست بر پایه غرب‌گرایی مطلق و تلاش برای ادغام در ساختارهای امنیتی و اقتصادی یورو-آتلانتیک استوار بود؛ رویکردی که عضویت در ناتو اوج آن به شمار می‌رفت. با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، ارزش استراتژیک ترکیه به عنوان سنگر شرقی ناتو کاهش یافت و هم‌زمان، فرصت‌های ژئوپلیتیک جدیدی در قفقاز، بالکان و آسیای مرکزی پدیدار شد که آنکارا را به سمت بازتعریف هویت و جستجوی نقشی مستقل‌تر سوق داد (سیف‌الدینی، ۱۴۰۳: ۱۰۶-۱۰۷). نقطه عطف این تحول، به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان بود. در ابتدا، دکترین صفر مشکل با همسایگان تلاشی برای تبدیل ترکیه به یک قدرت میانجی و پلی میان شرق و غرب بود، اما بحران‌های منطقه‌ای همچون بهار عربی و جنگ سوریه، این راهبرد را دچار چالش ساخت و آنکارا را به سمت یک سیاست خارجی فعالانه‌تر، عملگرایانه‌تر و در نهایت آونگی سوق داد؛ الگویی که در آن، ترکیه با نوسان مداوم میان قطب‌های متعارض قدرت، به دنبال حفظ استقلال راهبردی و پیشینه‌سازی منافع ملی خود در یک نظم جهانی در حال گذار است (گل‌محمدی، ۱۴۰۲: ۲۸-۲۹).

۱.۳. اهمیت ژئوپلیتیک ترکیه

اهمیت ژئوپلیتیک ترکیه، ریشه اصلی و موتور محرک کنشگری آونگی این کشور در سیاست خارجی است. ترکیه صرفاً در یک موقعیت جغرافیایی استراتژیک قرار ندارد، بلکه در نقطه تلاقی چندین سیستم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک رقیب-از جمله سیستم یورو-آتلانتیک، اوراسیا به محوریت روسیه، خاورمیانه و مدیترانه شرقی واقع شده است (Süsler, 2025:182). این جایگاه منحصربه‌فرد، دوراهی دائمی برای آنکارا ایجاد می‌کند: هر گامی که ترکیه برای نزدیکی بیش از حد به یکی از این سیستم‌های پیرامونی برمی‌دارد، به طور خودکار به فرسایش روابط و دور شدن آن از سیستم‌های دیگر منجر می‌شود.

این منطق ژئوپلیتیک در جریان جنگ ۲۰۲۲ اوکراین به وضوح نمایان شد. اگر ترکیه تصمیم می‌گرفت تا به طور کامل با سیاست‌های غرب در قبال روسیه همسو شود و به تحریم‌های جامع بپیوندد، روابط اقتصادی، انرژی و امنیتی حیاتی خود با مسکو را به خطر می‌انداخت و اهرم نفوذش در پرونده‌هایی چون سوریه و قفقاز را از دست می‌داد و برعکس، اگر به طور کامل در کنار روسیه می‌ایستاد، جایگاه خود در ناتو را تضعیف می‌کرد، روابط تجاری‌اش با اروپا را به مخاطره می‌انداخت و خود را در انزوای بین‌المللی قرار می‌داد (ШЛЫКОВ, 2023:140). در چنین شرایطی که همگرایی کامل با هر یک از طرفین، هزینه‌هایی گزاف و غیرقابل قبول به همراه دارد، کنشگری آونگی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. این رویکرد به ترکیه اجازه می‌دهد تا با نوسان هوشمندانه میان بلوک‌های قدرت، از مزایای هر دو سیستم بهره‌مند شود، ریسک‌های خود را مدیریت کند و در نهایت، خود را به عنوان یک بازیگر تنظیم‌گر و گریزناپذیر در منطقه تثبیت نماید.

۲.۳. کنشگری آونگی ترکیه در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین

جنگ اوکراین به مثابه یک تکانه ساختاری، فرآیند گذار در نظم بین‌الملل را از یک مفهوم نظری به یک واقعیت ملموس تبدیل کرد و در این میان، کنشگری آونگی ترکیه را به عنوان یک راهبرد انطباقی هوشمندانه به نمایش گذاشت. در یک سیستم بین‌المللی که دیگر توسط یک قطب هژمونیک تعریف نمی‌شود و به سمت چندقطبی شدن در حرکت است، وفاداری مطلق به اتحاد‌های سنتی، ظرفیت مانور بازیگران میانی را به شدت محدود می‌کند. سیاست خارجی ترکیه در این بحران، پاسخی به این پیچیدگی سیستمی بود. آنکارا با درک این موضوع که نه می‌تواند به طور کامل از زیرسیستم امنیتی غرب (ناتو) جدا شود و نه قادر به نادیده گرفتن زیرسیستم ژئواکونومیک اوراسیا (به محوریت روسیه) است، استراتژی موازنه‌سازی فعال را برگزید (هلالات و حکیم، ۱۴۰۲: ۱۷۵-۱۷۶). این کنشگری، تلاشی برای بقا و افزایش نفوذ در یک محیط پرآشوب است؛ جایی که یک دولت آونگی با نوسان میان قطب‌ها، از گرفتار شدن در رقابت قدرت‌های بزرگ اجتناب کرده و استقلال راهبردی خود را به حداکثر می‌رساند و استقلال استراتژیک ترکیه را تضمین می‌کند (Düzgit et al., 2025:15).

۳.۳. دیپلماسی چندوجهی آنکارا میان مسکو و واشنگتن

دیپلماسی ترکیه در بحران اوکراین را می‌توان به راه رفتن بر لبه تیغ تشبیه کرد؛ یک فرآیند کالیبراسیون دائمی که در چارچوب یک سیستم انطباقی پیچیده قابل تحلیل است. در این سیستم،

هر اقدام آنکارا به سمت یکی از قطب‌های قدرت (مسکو یا واشنگتن)، حلقه‌های بازخورد متضادی را از سوی قطب دیگر فعال می‌سازد. به عنوان مثال، اقدام ترکیه در فروش پهپاد بیرق‌دار به اوکراین و بستن تنگه‌ها، بازخورد مثبت و تقویت حمایت از سوی غرب را به همراه داشت، اما همزمان بازخورد منفی و تهدیدآمیز روسیه را برانگیخت. در مرحله انطباق، ترکیه برای مدیریت این بازخورد منفی، پیشنهاد میانجی‌گری در توافق غلات و تعمیق همکاری‌های اقتصادی با مسکو را مطرح کرد (Cheterian, 2023:128). این دیپلماسی چندوجهی، نشان می‌دهد که سیاست خارجی ترکیه نه مجموعه‌ای از اقدامات متناقض، بلکه یک الگوریتم هوشمند برای مدیریت همزمان روابط با بازیگران دوست-دشمن است تا با حفظ تعادل بر این لبه تیغ، از سقوط به دام وابستگی به هر یک از طرفین جلوگیری کند.

مخالفت اولیه ترکیه با عضویت فنلاند و سوئد در ناتو، نمونه‌ای برجسته از چگونگی استفاده آنکارا از اهرم‌های خود در چارچوب یک سیستم پیچیده برای پیشبرد منافع ملی بود. این اقدام نه از سر تقابل با گسترش ناتو، بلکه یک کنشگری آونگی محاسبه‌شده برای وادار کردن سیستم به شنیدن و پاسخ دادن به نگرانی‌های امنیتی دیرینه ترکیه، به‌ویژه در خصوص فعالیت گروه‌هایی مانند حزب کارگران کردستان در خاک این دو کشور بود، اما نکته مهم‌تر این است که اردوغان برای پیروزی دیگر در انتخابات ۲۰۲۳ از کارت حزب کارگران کردستان استفاده کرد (Çarkoğlu, 2024:166). ترکیه با استفاده از حق وتوی خود، به طور موقت روند همگرایی در ناتو را متوقف کرد تا یک حلقه بازخورد ایجاد کند که متحدان غربی را ناگزیر از انطباق با خواسته‌های خود نماید. در نهایت، با امضای تفاهم‌نامه سه‌جانبه در مادرید و کسب تعهداتی مشخص در زمینه مبارزه با تروریسم، آنکارا با عضویت آنها موافقت کرد. این فرآیند نشان داد که ترکیه نقش خود را از یک متحد پیرو به یک تنظیم‌گر فعال در درون اتحاد ناتو تغییر داده است که برای همکاری استراتژیک خود، شرایط و هزینه تعریف می‌کند.

جایگاه ژئوپلیتیک ترکیه، مهم‌ترین ابزار این کشور برای عملیاتی کردن کنشگری آونگی خود در جنگ اوکراین بود. از منظر نظریه سیستم‌ها، ترکیه با کنترل بر تنگه‌های بسفر و داردانل، در نقش یک تنظیم‌گر برای یکی از حیاتی‌ترین گره‌های سیستم امنیتی منطقه عمل کرد. اجرای کنوانسیون مونترو و محدودسازی عبور کشتی‌های جنگی، یک مداخله سیستمی بود که با کنترل جریان‌های نظامی، پیچیدگی بحران در دریای سیاه را کاهش داد و به آنکارا اهرمی بی‌بدیل بخشید. همزمان، به دلیل حفظ روابط با هر دو طرف، ترکیه توانست جریان‌های دیپلماتیک را نیز تنظیم کند و به میانجی‌گری ناپذیر جنگ تبدیل شود. میزبانی از مذاکرات صلح و توافق کریدور غلات، محصول همین نقش منحصر به فرد بود. در واقع، ترکیه با تبدیل موقعیت جغرافیایی خود از یک دارایی منفعل به یک ابزار

کنشگر فعال، توانست اهمیت خود را در سیستم بین‌المللی از یک بازیگر صرف به یک تنظیم‌گر حیاتی ارتقا دهد (Countryman et al., 2024:640).

ترکیه در بحران اوکراین نشان داد که جغرافیا دیگر صرفاً یک بستر منفعل نیست، بلکه می‌تواند به یک ابزار استراتژیک برای تنظیم‌گری در نظام بین‌الملل بدل شود. این کشور با بهره‌گیری از نقش میانجی و کنترل جریان‌های نظامی و دیپلماتیک، به‌نوعی معماری سیستمی منطقه‌ای را بازتعریف کرد. در این چارچوب، ترکیه بیش از آنکه تنها یک قدرت منطقه‌ای باشد، به یک واسطه‌ی تولید تعادل در سیستم امنیتی جهانی ارتقا یافت.

۴.۳. ابعاد نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک کنشگری آونگی ترکیه

معماری کنشگری آونگی ترکیه بر پایه تعامل پیچیده و غیرخطی میان ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک استوار است. این ابعاد به صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه اجزای یک سیستم درهم‌تنیده هستند. بعد نظامی (مانند فروش پهپاد به اوکراین) به ترکیه در برابر غرب اعتبار بخشید و آن را به عنوان یک متحد مسئولیت‌پذیر معرفی کرد (Soyaltin-Collela & Demiryol, 2023:730). پهپاد در سیاست خارجی ترکیه صرفاً یک ابزار نظامی تاکتیکی نیست، بلکه به‌مثابه یک مؤلفه‌ی راهبردی از قدرت هوشمند و سازوکار تنظیم‌گری سیستمی عمل می‌کند که در چارچوب کنشگری آونگی این کشور معنا می‌یابد. تجربه ترکیه نشان می‌دهد که پهپادها، به‌ویژه بیرقدار تی بی ۲، با ایجاد ظرفیت‌های هم‌زمان در سه سطح نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، امکان مداخله‌ی کم‌هزینه اما پراثر در محیط‌های رقابتی بین‌المللی را فراهم کرده‌اند (صالحیان و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۰۳). از یک‌سو، استفاده عملیاتی و صادرات پهپاد، جایگاه ترکیه را به‌عنوان بازیگری دارای توان بومی در زنجیره قدرت نظامی ارتقا داده و موازنه‌های محلی را به نفع آنکارا تغییر داده است؛ و از سوی دیگر، همین ابزار به اهرمی برای نفوذ سیاسی، ایجاد وابستگی امنیتی و بازتعریف روابط خارجی بدل شده است.

پهپادها با کاهش هزینه‌های مداخله، افزایش انعطاف‌پذیری عملیاتی و امکان اثرگذاری از راه دور، به ترکیه اجازه داده‌اند بدون ورود مستقیم به منازعات، در شکل‌دهی به نتایج آن‌ها نقش ایفا کند و از این طریق، قدرت چانه‌زنی خود را در تعامل با بازیگران بزرگ افزایش دهد. در چارچوب نظری دولت آونگی، این قابلیت به ترکیه امکان داده است تا میان بلوک‌های رقیب نوسان هدفمند ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که پهپاد هم‌زمان نقش سیگنال تعهد امنیتی به غرب و ابزار تعامل عمل‌گرایانه با سایر بازیگران منطقه‌ای را ایفا نماید. بدین ترتیب، پهپاد به‌عنوان ابزار

سیاست خارجی، نه صرفاً مکمل دیپلماسی سنتی، بلکه بخشی از معماری تنظیم‌گری سیستمی ترکیه است که در آن، فناوری نظامی به صورت ظهوریافته در خدمت کنشگری آونگی و بازتنظیم پارامترهای قدرت در نظام بین‌الملل قرار می‌گیرد.

شکل ۱. نمودار صادرات تسلیحات ترکیه به اوکراین در جریان جنگ اوکراین



منبع: <https://armstransfers.sipri.org/ArmsTransfer/TransferData/transferResults?logic=on>

از سوی دیگر، نمودار نظامی حاکی از آن است که ترکیه به صورت هم‌زمان به صادرات تسلیحات از جمله پهپادهای بیرق‌دار و سامانه‌های زرهی به اوکراین مبادرت ورزیده است. این کنش دقیقاً در همان دوره‌ای تشدید شد که ترکیه روابط اقتصادی خود با روسیه را حفظ کرده بود. در نگاه نخست، این رفتار متناقض به نظر می‌رسد؛ اما در چارچوب کنشگری آونگی، این اقدام نه نشانه همسویی کامل، بلکه نمونه‌ای از سیگنال‌دهی نظامی محاسبه‌شده است.

محور اصلی سفارش‌ها در نمودار نفربر زرهی کیرپی^۱ است؛ در سال ۲۰۲۲ مجموعاً ۲۱۳ قلم سفارش ثبت شده که ۲۰۰ تا آن (حدود ۹۴٪) به کیرپی اختصاص دارد، اما در ۲۰۲۳ مجموع سفارش‌ها به ۱۷۲ می‌رسد و سهم کیرپی به ۱۲۰ (حدود ۷۰٪) کاهش می‌یابد؛ یعنی هم حجم کلی

^۱. یک نفربر زرهی از نوع امرپ (خودروهایی با زره سنگین و سخت نفوز) مقاوم در برابر مین و کمین برای جابه‌جایی امن نیرو و گشت‌زنی است.

سفارش‌ها کمتر شده و هم ترکیب اقلام متنوع‌تر شده است. این روند با کاهش سفارش در اکثر اقلام از ۲۰۲۲ به ۲۰۲۳ دیده می‌شود. پهباد بیرق‌دار تی-بی^۱، از ۷ به ۱، کیرپی از ۲۰۰ به ۱۲۰ و تی-۳۰۰ از ۶ به ۱. در مقابل، خودروی زرهی کبری-۲ فقط در ۲۰۲۳ وارد سفارش‌ها شده (۵۰ عدد) که نشان می‌دهد در ۲۰۲۳ تأکید بیشتری بر خودروهای زرهی زمینی وجود داشته است. از نظر زمان تحویل نیز نکته کلیدی این است که پهباد بیرق‌دار تی بی ۲ و تی-۳۰۰^۳ با تحویل ۲۰۲۲ ماهیت سریع و کوتاه‌مدت دارند، در حالی که کیرپی با تحویل ۲۰۲۴ نشان‌دهنده سفارش‌های بلندمدت و احتمالاً صف تحویل و تأخیر است و کبری ۲ با تحویل ۲۰۲۳ در وضعیت بینابینی قرار می‌گیرد.

با تکیه بر داده‌های ثانویه ارزش دلاری تقریبی اقلام نشان داده شده در نمودار را برآورد کردیم، اما باید توجه داشت که قیمت دقیق قراردادهای فروش به اوکراین به صورت عمومی منتشر نشده و برای برخی اقلام گزارش‌هایی از کمک یا اهدا و نیز تحویل از موجودی دولتی و حتی دست دوم وجود دارد، بنابراین اعداد یاد شده بیشتر نمایانگر ارزش بازاری تقریبی هستند نه لزوماً رقم فروش قطعی؛ بر این اساس برای پهباد رزمی بایراکتار تی بی دو حدود ۵ تا ۵.۵ میلیون دلار به ازای هر فروند، برای خودروی زرهی کیرپی حدود ۶۶۱.۶۰۰ دلار به ازای هر دستگاه، برای خودروی زرهی کبرا دو بر مبنای یک قرارداد رسمی خارجی حدود ۸۵۰ تا ۹۱۰ هزار دلار به ازای هر دستگاه پس از تبدیل تقریبی یورو به دلار، و برای سامانه راکت انداز تی سیصد بر مبنای یک قرارداد خارجی حدود ۳.۳ میلیون دلار به ازای هر پرتابگر قابل استفاده به عنوان شاخص هستند (BaykarTech, 2022)؛ با استفاده از تعداد فروش تسلیحات در نمودار تسلیحات صادراتی ترکیه که شامل، ۸ فروند پهباد بیرق‌دار-۲، ۳۲۰ دستگاه کیرپی، هفت واحد تی-۳۰۰ و ۵۰ دستگاه کبرا-۲، ارزش دلاری تقریبی به ترتیب حدود ۴۰ تا ۴۴ میلیون دلار برای پهباد بیرق‌دار-تی بی ۲، حدود ۲۱۲ میلیون دلار برای کیرپی، حدود ۲۳ میلیون دلار برای تی-۳۰۰ و حدود ۴۲.۵ تا ۴۵ میلیون دلار برای کبرا دو برآورد می‌شود و جمع کل ارزش تقریبی در بازه حدود ۳۰۰ تا ۳۲۵ میلیون دلار قرار می‌گیرد (Turkey-Made Kaplan TRG-300 MLRS Arrive in Bangladesh, 2021). با این قید که اگر بخشی از تحویل‌ها در قالب کمک یا همراه با بسته‌های پشتیبانی، آموزش، قطعات و مهمات بوده باشد، برآورد فروش واقعی می‌تواند با این ارقام تفاوت معنادار داشته باشد.

^۱. پهباد رزمی مسلح برای شناسایی، مراقبت و حمله دقیق با مهمات هدایت‌شونده است.

^۲. خودروی زرهی چرخدار چندمنظوره برای حمل نیرو، اسکورت و مأموریت‌های امنیتی-رزمی سبک است.

^۳. یک راکت‌انداز چندگانه برای آتش پشتیبانی و پوشش منطقه‌ای محسوب می‌شود.

ترکیه با ارسال تسلیحات منتخب به اوکراین، تعهد خود به زیرسیستم امنیتی یورو-آتلانتیک و نقش خود به عنوان عضو ناتو را بازتولید کرد، بی آنکه وارد تقابل مستقیم و پرهزینه با روسیه شود. انتخاب نوع تسلیحات اهمیت تحلیلی ویژه‌ای دارد: پهپادها و خودروهای زرهی، ضمن برخورداری از ارزش عملیاتی و نمادین بالا، سطح ریسک تصاعد بحران را به مراتب کمتر از سامانه‌های راهبردی پیشرفته حفظ می‌کنند. به این ترتیب، آنکارا توانست بیشینه بازده دیپلماتیک را با کمینه هزینه راهبردی به دست آورد. از منظر سیستمی، صادرات تسلیحات به اوکراین به مثابه یک حلقه بازخورد مثبت در قبال غرب عمل کرد؛ حلقه‌ای که بخشی از نگرانی‌های متحدان غربی نسبت به امتناع ترکیه از تحریم روسیه را خنثی ساخت. در واقع، ترکیه ظرفیت صنعتی-نظامی بومی خود را به سرمایه دیپلماتیک تبدیل کرد و بدین وسیله، جایگاه خود را در معماری امنیتی غرب حفظ نمود، در حالی که کنترل دامنه و زمان‌بندی مشارکت نظامی را در دست خود نگه داشت.

در بعد اقتصادی (مانند امتناع از تحریم‌ها و تبدیل شدن به هاب تجاری روسیه) ضمن تأمین منافع داخلی، به آنکارا اهرمی برای چانه‌زنی در برابر مسکو داد و ترکیه توانست در مقابل سیاست استفاده ابزاری انرژی روسیه به عنوان اهرم فشار علیه کشورهای حوزه قفقاز و اروپا و ترکیه اقدام متقابل انجام دهد (Fortescue, 2024:410). بعد دیپلماتیک (مانند میانجی‌گری در توافق غلات) نیز یک ویژگی ظهور یافته از مدیریت موفق دو بعد دیگر بود. این معماری پیچیده نشان می‌دهد که سیاست خارجی ترکیه مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده و متناقض نیست، بلکه یک استراتژی سیستمی منسجم است که در آن، هر جزء، جزء دیگر را تقویت کرده و به آنکارا اجازه می‌دهد تا در یک جهان چندقطبی، به طور همزمان در چندین زمین بازی کرده و منافع خود را به حداکثر برساند. یکی دیگر از عرصه‌های قابل لمس کنشگری آونگی ترکیه، مسئله انرژی و کریدورها می‌باشد. ترکیه با حفظ جریان گاز از طریق خط لوله ترک‌استریم از روسیه، نه تنها امنیت انرژی خود را تضمین کرد، بلکه جایگاه خود را به عنوان یک مسیر حیاتی برای بخشی از انرژی روسیه حفظ نمود (Kaan Renda et al., 2023:77).

همزمان، با تقویت کریدور ترانس-آناطولی برای انتقال گاز آذربایجان به اروپا، خود را به عنوان یک شریک کلیدی در تلاش غرب برای متنوع‌سازی و کاهش وابستگی به روسیه مطرح کرد. یکی از شفاف‌ترین ابعاد کنشگری آونگی ترکیه، امتناع قاطع این کشور از پیوستن به تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه بود. این تصمیم، ریشه در معماری پیچیده وابستگی متقابل اقتصادی و ژئوپلیتیکی میان دو کشور داشت. ترکیه به شدت به واردات انرژی (به‌ویژه گاز طبیعی)، غلات و

همچنین درآمدهای حاصل از گردشگران روسی وابسته است و اعمال تحریم‌ها می‌توانست ضربه‌ای مهلک به اقتصاد لرزان این کشور وارد کند. از منظر سیستمی، این اقدام به آنکارا اجازه داد تا ضمن حفظ ثبات داخلی، جایگاه منحصربه‌فرد خود را به عنوان یک گره ارتباطی و میانجی حفظ کند؛ زیرا اگر تمام کانال‌های اقتصادی با مسکو را مسدود می‌کرد، ظرفیت خود برای ایفای نقش دیپلماتیک در پرونده‌هایی مانند کریدور غلات را از دست می‌داد (GAFARLI & Rognifard, 2023:40). بنابراین، امتناع از تحریم‌ها نه نشانه‌ای از حمایت از مسکو، بلکه یک انتخاب راهبردی برای حفظ استقلال عمل و استفاده از ابزارهای اقتصادی به عنوان مکملی برای دیپلماسی فعال در یک موازنه پیچیده بود (Parmeter, 2023:25).

شکل ۲. نمودار صادرات و واردات ترکیه با روسیه در جریان جنگ اوکراین



منبع: <https://blogs.lse.ac.uk/internationaldevelopment/2024/09/11/>

نمودار اقتصادی نشان می‌دهد که ترکیه پس از آغاز جنگ اوکراین، روابط اقتصادی خود با روسیه را امنیتی‌سازی نکرد. برخلاف انتظارات ناشی از منطق همسویی بلوکی، سطح تجارت دوجانبه به‌ویژه در حوزه واردات از روسیه در بازه ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ از پایداری ساختاری قابل‌توجهی برخوردار بوده است. این الگو را نمی‌توان صرفاً با مفاهیمی چون بی‌طرفی یا پوشش‌گری راهبردی توضیح داد؛ بلکه

این رفتار بازتاب یک راهبرد آونگی اقتصادی آگاهانه است که در آن، روابط تجاری به‌عنوان یک زیرسیستم تثبیت‌کننده در دل یک محیط بحرانی عمل می‌کنند. وابستگی مداوم ترکیه به واردات عمدتاً در حوزه انرژی نشان می‌دهد که آنکارا وابستگی متقابل اقتصادی را نه به‌مثابه یک آسیب‌پذیری که باید حذف شود، بلکه به‌عنوان اهرم تعادل‌بخش و ابزار مهار بی‌ثباتی سیستمی درک کرده است. حفظ این کانال‌ها به ترکیه امکان داد هم از شوک‌های داخلی ناشی از اختلال عرضه مصون بماند و هم اهرم نفوذ خود بر مسکو را حفظ کند. از منظر نظریه سیستم‌ها، تداوم تعامل اقتصادی در نقش یک حلقه بازخورد منفی ظاهر شد که توانست آثار تنش‌زای کنشگری نظامی و دیپلماتیک ترکیه در سایر حوزه‌ها را تعدیل کند.

به طور کلی اقتصاد ترکیه نقش بسیار مهمی در آونگی شدن رفتار ترکیه در قبال جنگ اوکراین داشت. پیش از آغاز جنگ، اقتصاد ترکیه با ترکیب همزمان تورم مزمن و پرشتاب، کاهش ارزش پول ملی، نااطمینانی سیاستی در حوزه پولی و مالی، افزایش هزینه واردات و فشار بر تراز پرداخت‌ها روبه‌رو بود و هم‌زمان به دلیل وابستگی ساختاری به واردات انرژی و مواد اولیه، هر شوک خارجی می‌توانست به سرعت به جهش قیمت‌ها و تشدید نارضایتی اجتماعی تبدیل شود. در چنین شرایطی، آغاز جنگ و جهش جهانی قیمت انرژی و غلات، خطر کمبود عرضه و تشدید تورم را برای آنکارا بالا برد و هزینه قطع کانال‌های اقتصادی با روسیه را به سطحی رساند که می‌توانست ثبات داخلی را تهدید کند. بنابراین، منطق کنش‌گری ترکیه در بعد اقتصادی را باید واکنشی به ضرورت مدیریت آسیب‌پذیری‌های داخلی دانست: حفظ جریان گاز و واردات حیاتی، نگه داشتن درآمدهای گردشگری و تجارت، و استفاده از موقعیت ترانزیتی برای جذب بخشی از جریان مبادلات روسیه. این انتخاب‌ها هم‌زمان دو کارکرد داشتند: از یک سو ضربه‌پذیری اقتصاد لرزان را کاهش می‌دادند و از سوی دیگر اهرم چانه‌زنی در برابر مسکو و نیز اهرم تعامل با غرب را فراهم می‌کردند، چون ترکیه با نگه داشتن کانال‌های اقتصادی، امکان نقش‌آفرینی دیپلماتیک و تنظیم‌گری در پرونده‌هایی مانند کریدور غلات و مدیریت انرژی و کریدورها را از دست نمی‌داد. به این ترتیب، مشکلات ساختاری اقتصاد ترکیه به صورت مستقیم به رفتار آونگی در قبال جنگ پیوند خوردند و زمینه را برای راهبردی فراهم کردند که در آن، تعامل اقتصادی با روسیه به‌عنوان زیرسیستم تثبیت‌کننده عمل کرد و در کنار کنش‌های امنیتی و دیپلماتیک، از انباشت بحران جلوگیری نمود.

نکته مهم آن است که ترکیه با پذیرش هزینه‌های اعتباری ناشی از عدم همراهی کامل با رژیم تحریم‌های غرب، جایگاه خود را به‌عنوان یک گره اقتصادی غیرقابل جایگزین در شبکه مبادلات

منطقه‌ای تثبیت کرد. آنکارا نه با نقض رسمی تحریم‌ها، بلکه با بهره‌گیری از موقعیت ترانزیتی و تجاری خود، بخشی از جریان‌های اقتصادی روسیه را بازتنظیم کرد. بدین ترتیب، ترکیه از یک تبعیت‌کننده قواعد، به یک تنظیم‌گر گردش اقتصادی در سطح سیستمی ارتقا یافت.

نوآوری اصلی راهبرد ترکیه نه در همزیستی تعامل اقتصادی با روسیه و حمایت نظامی از اوکراین، بلکه در هم‌زمان‌سازی هدفمند این دو کنش در زیرسیستم‌های متفاوت نهفته است. قرائت توأمان نمودارهای اقتصادی و نظامی نشان می‌دهد که ترکیه به یک الگوی جبران متقاطع میان حوزه‌ها دست یافته است:

۱. تعامل اقتصادی با روسیه، هزینه‌های ناشی از کنشگری نظامی در کنار اوکراین را جذب کرد.

۲. حمایت نظامی از اوکراین، حساسیت غرب نسبت به بازبودن کانال‌های اقتصادی با روسیه را کاهش داد.

۳. هر حوزه، فشارهای تولیدشده در حوزه دیگر را مستهلک ساخت و از انباشت بحران جلوگیری کرد.

این الگو نه مصداق پوشش‌گری منفعل، بلکه نمونه‌ای از مهندسی فعال سیستم بین‌المللی است. ترکیه صرفاً ریسک‌ها را توزیع نکرد، بلکه با بازتوزیع فشار میان حوزه‌ها، رفتار سایر بازیگران را نیز تحت تأثیر قرار داد. نتیجه، شکل‌گیری نوعی تنظیم‌گری آونگی بود که در آن، آنکارا جهت، دامنه و زمان نوسان را خود تعریف می‌کرد.

کارآمدی این راهبرد دوگانه ریشه در سه مؤلفه ساختاری دارد:

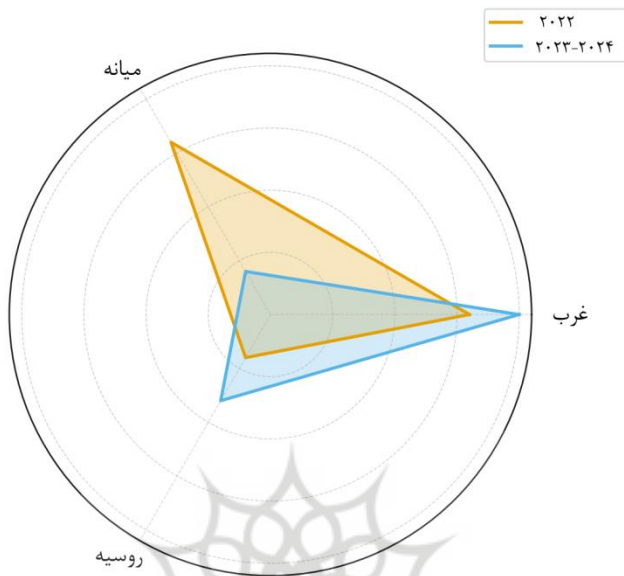
۱. **مرکزیت ژئواکونومیک**: نقش ترکیه در انرژی، ترانزیت و تجارت منطقه‌ای، حذف کامل آن را برای هر دو بلوک پرهزینه می‌کرد.

۲. **خودمختاری صنعتی-نظامی**: تولید بومی پهپادها امکان صادرات تسلیحات بدون وتوی خارجی را فراهم ساخت.

۳. **عدم تقارن در اتحادها**: نیاز ناتو به ترکیه بیش از تمایل آن به اعمال انضباط سخت‌گیرانه بود و این شکاف، فضای مانور ایجاد کرد.

مجموع این عوامل به ترکیه اجازه داد تناقض را به اهرم تبدیل کند؛ به‌جای حل تعارض میان بلوک‌ها، آنکارا تعارض را نهادینه و از نوسان به‌عنوان منبع قدرت بهره‌برداری کرد.

شکل ۳. عملکرد آونگی ترکیه در جریان جنگ اوکراین



منبع: یافته‌های پژوهش

در نمودار رسم شده، مساحت سویه غرب در هر دو لایه از سایر محورها بزرگ‌تر است؛ یعنی حتی در دوره جنگ اوکراین هم میل غالب سیاست خارجی ترکیه به سمت غرب باقی مانده است. با این حال، الگوی ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که آنکارا در ابتدای جنگ هم‌زمان بر نقش میانجی محور میانه سرمایه‌گذاری کرده است؛ از میزبانی مذاکرات آنتالیا و استانبول تا ابتکار کریدور غلات. این ترکیب غرب‌گرایی محتاط با میانجی‌گری فعال به ترکیه امکان داد در چارچوب ناتو بماند، اما از کانال ارتباط با مسکو نیز برای مدیریت بحران و کسب نفوذ استفاده کند. در لایه ۲۰۲۳-۲۰۲۴، چندضلعی به‌وضوح به سمت غرب کشیده‌تر و محور میانه کوچک‌تر شده است؛ تصویب عضویت فنلاند و سوئد در ناتو، و احیای مسیر خرید و به‌روزرسانی F-16 سیگنال همین روند است. ماجرا از این قرار است که پس از کنار گذاشته شدن ترکیه از پروژه اف سی و پنچ و همچنین سرد شدن همکاری‌های تسلیحاتی با آمریکا، توان نوسازی نیروی هوایی ترکیه با محدودیت روبه‌رو شد و اف شانزده‌ها به ستون اصلی توان رزمی هوایی این کشور تبدیل شدند. به همین دلیل آنکارا دنبال دو کار رفت: نخست خرید هواپیماهای جدید F-16، و دوم ارتقای ناوگان موجود به نسخه‌های جدیدتر از نظر سامانه‌های

راداری و قابلیت به کارگیری مهمات هدایت شونده. این مسیر مدتی به دلایل سیاسی و اختلافات درون ناتو و همچنین حساسیت های کنگره امریکا کند یا مسدود بود، اما در بازه ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ دوباره به حرکت افتاد و این کنش ترکیه به عنوان یک سیگنال مهم امنیتی تعبیر شد؛ یعنی نشانه‌ای که می گوید ترکیه در لایه جدید، برای تامین امنیت و بازدارندگی و نوسازی نظامی خود دوباره بیشتر به کانال های غربی تکیه می کند. هم‌زمان، افزایش اهمیت نسبی ضلع روسیه نشان می‌دهد پیوندهای ساختاری با مسکو، به‌ویژه در انرژی، تجارت و برخی هماهنگی‌های تاکتیکی حفظ شده و حتی در مواردی تقویت شده است. جمع‌بندی اینکه ترکیه همچنان یک بازیگر نوسانی با تمایل بیشتر به سمت غرب است که در حوزه امنیتی به نهادهای غربی نزدیک‌تر می‌شود، اما برای حفظ اهرم فشار و خودمختاری راهبردی، سطحی از تعامل با روسیه را نگه می‌دارد و فقط وقتی هزینه‌های ژئوپلیتیک یا اقتصادی بالا می‌رود، دامنه نوسان را محدودتر می‌کند.

۴. نتیجه گیری

تحول نقش ترکیه در زیرسیستم ناتو از یک متحد سنتی به یک تنظیم‌گر پویا، جمع‌بندی نهایی سیاست خارجی آنگی این کشور است؛ سیاستی که در منطق یک سیستم انطباقی پیچیده ریشه دارد و جایگاه آنکارا را در نظم بین‌المللی، به ویژه در تعامل با ابرقدرت‌ها، بازتعریف کرده است. مهم‌ترین دستاورد این راهبرد، تقویت استقلال راهبردی و افزایش قدرت چانه زنی بوده است؛ ترکیه با نوسان میان قطب‌ها از یک بازیگر پیرو به کنش‌گری فعال بدل شد و به یک گره دیپلماتیک و ژئواکونومیک گریزناپذیر در اوراسیا ارتقا یافت؛ نقشی که میانجی‌گری در پرونده غلات و تثبیت کارکردهای تجاری و انرژی آن منافع اقتصادی و اعتباری ملموسی به همراه آورد. در عین حال، هزینه ساختاری این الگو فرسایش اعتماد و خلأ اعتبار نزد شرکای بین‌المللی است، زیرا نوسان مداوم می‌تواند به فرصت‌طلبی تعبیر شود، ثبات راهبردی را کاهش دهد، برنامه ریزی بلندمدت را دشوار کند و در بحران های شدید خطر انزوای راهبردی را افزایش دهد. با وجود این دوگانگی، برآیند کلی نشان می‌دهد ترکیه از دولت حائل به بازیگری محوری و تنظیم‌گر در قلب معادلات اوراسیا تغییر موقعیت داده و رابطه آن با ابرقدرت‌ها از الگوی سلسله مراتبی به رابطه‌ای متقارن‌تر و معامله‌محور تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که قدرت‌های بزرگ ناگزیرند ترکیه را نه صرفاً عضو یک بلوک، بلکه کنش‌گری مستقل با منافع خاص تلقی کنند و برای همکاری آن امتیاز بدهند. از نظر مفهومی نیز، پوشش‌گری راهبردی بیشتر یک مدیریت ریسک واکنشی برای باز نگه داشتن گزینه‌ها از طریق ابهام سازنده و

پرهیز از تعهدات پرهزینه است، اما کنش‌گری آونگی الگویی فعال و زمانمند برای نوسان هدفمند میان قطب‌هاست که با تعریف دامنه و جهت نوسان بر مبنای آستانه‌های منافع، ایجاد حلقه‌های بازخورد و قیمت‌گذاری همکاری، در پی بازتنظیم معیارهای محیطی است. در مطالعه موردی جنگ اوکراین، شواهد بیش از آنکه با پوشش‌گری سازگار باشد، از کنش‌گری آونگی حکایت دارد: اجرای قرارداد مونترو همراه با میانجی‌گری و ابتکار غلات، استفاده از وتو و سپس رفع آن پس از اخذ امتیازات امنیتی در ناتو، و هم‌زمان‌سازی حمایت نظامی از اوکراین با تداوم تجارت و انرژی با روسیه نشان می‌دهد آنکارا صرفاً ریسک را پخش نکرد، بلکه اهرم متقابل ساخت و رفتار طرف‌ها را به تعدیل واداشت. در نهایت، این چارچوب ضمن تبیین الگوی ترکیه، مسیر پژوهش‌های آتی را نیز روشن می‌کند: مطالعات تطبیقی با دیگر دولت‌های آونگی و بررسی نقش قدرت نرم، دیپلماسی دیجیتال، بازیگران غیردولتی و پیوند انرژی با محیط زیست می‌تواند ابزار تحلیلی دقیق‌تری برای فهم تحولات راهبردی در نظم چندقطبی فراهم کند.

منابع و مآخذ

فارسی:

- سیف‌الدینی، سالار. (۱۴۰۳). ادراک و چشم‌انداز ژئوپلیتیک ترکیه. (چاپ اول). تهران، انتشارات شیرازه.
- گل محمدی، ولی. (۱۴۰۲). در جست‌وجوی استقلال استراتژیک: سیاست خارجی ترکیه در عصر بی‌نظمی نظام بین‌الملل. (چاپ اول). تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- هلالات، عماد و حکیم، حمید. (۱۴۰۲). سیاست ترکیه در بحران اوکراین؛ توازن و بهره‌وری حداکثری. فصلنامه سیاست خارجی. ۳۷ (۴)، ۱۵۷-۱۸۲.
- صالحیان، علی، دهشیری، محمد رضا و گل‌محمدی، ولی. (۱۴۰۱). پهباد به عنوان ابزاری نوین در سیاست خارجی، مطالعه موردی سیاست پهبادی ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۲۲). فصلنامه سیاست خارجی، ۳۶ (۴)، ۲۰۱-۲۲۶.

انگلیسی:

- Aydın-Düzgüt, S., Kutlay, M., & Keyman, E. F. (2025). Strategic autonomy in Turkish foreign policy in an age of multipolarity: lineages and contradictions of an idea. *International Politics*, 62(3), 1-22. <https://doi.org/10.1057/s41311-024-00638-w>
- Çarkoğlu, A. (2024). The Unlikely Survival of Erdoğan in Turkey's May 2023 Elections. *JCMS Journal of Common Market Studies*, 62(1), 162-173. <https://doi.org/10.1111/jcms.13655>

- Cheterian, V. (2023). Friend and Foe: Russia–Turkey relations before and after the war in Ukraine. *Small Wars & Insurgencies*, 34(7), 1271–1294.
<https://doi.org/10.1080/09592318.2023.2185443>
- Countryman, A. M., Litvinov, V., Kolodiaznyi, I., Bogonos, M., & Nivievskyi, O. (2024). Global economic effects of war-induced agricultural export declines from Ukraine. *Applied Economic Perspectives and Policy*, 47(2), 624–665.
<https://doi.org/10.1002/aep.13468>
- de Hoop Scheffer, A., Weber, G., A. Conley, H., Small, A., Ishmael, L., O. Lesser, I., Ünlühisarcıklı, Ö., McIlhenny, W., Quencez, M., Baranowski, M., Kleine-Brockhoff, T., Connelly, A., S. Glaser, B., & Kausch, K. (2022). *Global Swing States*. GMF (German Marshal Fund).
- Donnelly, J. (2023). *Systems, Relations, and the Structures of International Societies*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781009355193> (Original work published 2023)
- Fontaine, R., & Kliman, D. M. (2013). International Order and Global Swing States. *The Washington Quarterly*, 36(1), 93–109. <https://doi.org/10.1080/0163660x.2013.751653>
- Fontaine, R., & McKinley, G. (2025). Global Swing States and the New Great Power Competition. *The Washington Quarterly*, 48(2), 7–28.
<https://doi.org/10.1080/0163660x.2025.2517441>
- Fortescue, S. (2024). The reorientation of Russia’s trade corridors since the invasion of Ukraine. *Post-Communist Economies*, 36(4), 405–431.
<https://doi.org/10.1080/14631377.2024.2324223>
- GAFARLI, O., & Roknifard, J. V. (2023). Relations with Russia in The Context of Turkey’s Policy in Constructing its “Strategic Autonomy.” *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, 20(79), 33–50. <https://doi.org/10.33458/uidergisi.1358280>
- GARCIA, M. (2012). GLOBAL SWING STATES AND THE NONPROLIFERATION ORDER. German Marshall Fund of the United States; JSTOR.
<https://doi.org/10.2307/resrep18659>
- Gunitsky, S. (2013). *Complexity and theories of change in international politics*. *International Theory*, 5(1), 35–63. <https://doi.org/10.1017/s1752971913000110>
- Kaan Renda, K., Özçelik, A., & Tabak, H. (2023). Turkey’s proactive contestation of EU sanctions against Russia: European normative order vs. geopolitical realities. *Southeast European and Black Sea Studies*, 23(4), 757–780.
<https://doi.org/10.1080/14683857.2023.2273021>
- M. Kliman, D., & Fontaine, R. (2012). GLOBAL SWING STATES: BRAZIL, INDIA, INDONESIA, TURKEY AND THE FUTURE OF INTERNATIONAL ORDER. Center for a New American Security.
- Parmeter, I. (2023). Strategic ambiguity: Turkey, Russia and the War in Ukraine. *Australian and New Zealand Journal of European Studies*, 15(2), 18–32.
<https://doi.org/10.30722/anzjes.vol15.iss2.17975>
- Poulshock, M. (2022). *Swing States in Great Power Competition*. SSRN Electronic Journal, 7. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4124778>
- Şaban Kardaş. (2025). Debating the hard power turn in Turkish foreign policy. *Journal of Southeast European and Black Sea Studies*, 25(1), 1–10.
<https://doi.org/10.1080/14683857.2025.2468579>

- Soyaltin-Collela, D., & Demiryol, T. (2023). Unusual middle power activism and regime survival: Turkey's drone warfare and its regime-boosting effects. *Third World Quarterly*, 44(4), 724–743. <https://doi.org/10.1080/01436597.2022.2158080>
- Süsler, B. (2025). Turkey and BRICS: Strategic autonomy and a search for new partnerships in a post-Western world. *South African Journal of International Affairs*, 32(1), 175–196. <https://doi.org/10.1080/10220461.2025.2497869>
- Ünlühisarçıklı, Ö. (2022). Turkey: Escaping Dependence . In *Alliances in a Shifting Global Order: Rethinking Transatlantic Engagement with Global Swing States* .German Marshal Fund. <https://www.gmfus.org/news/alliances-shifting-global-order-rethinking-transatlantic-engagement-global-swing-states>
- Шлыков, П. В. (2023). The State of Strategic Hedging: Turkey's Foreign Policy and Relations with Russia. *Russia in Global Affairs*, 21(3), 134–158. <https://doi.org/10.31278/1810-6374-2023-21-3-134-158>

منابع اینترنتی:

- BaykarTech. (2022). *Turkey's Baykar to donate three UAVs to Ukraine after crowdfunding campaign*. Baykartech.com. https://www.baykartech.com/en/press/turkeys-baykar-to-donate-three-uavs-to-ukraine-after-crowdfunding-campaign/?utm_source=chatgpt.com
- Turkey-made Kaplan TRG-300 MLRS Arrive in Bangladesh*. (2021). Defensemirror.com. https://defensemirror.com/news/29857/Turkey_made_Kaplan_TRG_300_MLRS_Arrive_in_Bangladesh?utm_source=chatgpt.com



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی